

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

بهرام رحمانی
۲۷ جنوری ۲۰۱۴

نامه مضحک سیدعلی خامنه‌ای سرمدار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی به جوانان غربی!

رہبر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، از جوانان غربی خواسته است برای آشنایی با اسلام مستقیماً به قرآن و زندگی پیغمبر اسلام مراجعه کنند.

در این متن که روز پنج‌شنبه ۲ بهمن [دلو] ۱۳۹۳ برابر ۲۲ جنوری ۲۰۱۵، به طور گسترده در رسانه‌های خبری حکومت اسلامی منتشر شده، سیدعلی خامنه‌ای انگیزه خود از انتشار این پیام را «حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی» عنوان کرده و افزوده است که دلیل مخاطب قرار دادن جوانان، وجود «حس حقیقت جوئی» در آنان است و نه نادیده گرفتن پدر و مادرشان.

او در عین حال، مدعی شده که از این جهت رهبران غربی را مخاطب قرار نداده که «آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.»

خامنه‌ای در این پیام خود تبلیغات منفی علیه اسلام را اقدامی سازمان یافته و هدف از آن را بیمناک کردن غربیان از اسلام به عنوان دشمن معرفی کرده و گفته است: «تحریک احساسات رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن» برای مقاصد سیاسی را دارای سابقه‌ای طولانی در غرب دانسته و از «هراس‌های گوناگونی که تا کنون به ملت‌های غربی القا شده» یاد می‌کند.

با نگاهی به کارنامه گروه‌های تروریستی اسلامی و حکومت تروریستی اسلامی به خصوص حکومت اسلامی ایران، و همچنین به گروه اسلامی و شبه‌حکومتی محمد و علی و غیره می‌توان به سادگی به این نتیجه رسید که دین اسلام، جز راه انداختن جنگ و خشونت و ترور، تفرقه‌اندازی بین شهروندان جامعه و همچنین شکنجه و اعدام و کشتار مخالفین، سرکوب سیتاماتیک زنان و تجاوز به حقوق کودکان هنر دیگری ندارد. اسلام، در هر جامعه‌ای ریشه دوانده عامل عقب‌ماندگی و جهل، سرکوب و فقر شده است.

نامه خامنه‌ای خطاب به جوانان غربی در حالی منتشر می‌شود که عملکرد گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی، به ویژه حکومت اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و در نزد افکار عمومی مردم جهان و نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، به دشمنی با آزادی بیان و اندیشه و تشکل، زن‌ستیزی، کودک‌آزاری، غارت اموال عمومی مردم،

تجاوز به زندانیان در زندان‌ها، شکنجه هولناک زندانیان سیاسی، اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌های تروریستی، سنگسار، گردن‌زدن و غیره شناخته شده‌اند.

حکومت‌ها و گروه‌های اسلامی از یک‌سو و راسیست‌ها و نژادپرستان از سوی دیگر، به خصوص کوشیده‌اند از اقداماتی مانند حملات تروریستی در پاریس و انتشار کاریکاتورهای محمد پیامبر مسلمانان در پاریس، برای پیش‌برد اهداف و سیاست‌های وحشیانه و ارتجاعی خود بهره‌برداری کنند بنابراین، نامه خامنه‌ای را نیز باید در همین جهت و بهره‌برداری دید. در حالی که خود خامنه‌ای در راس خشن‌ترین و جانی‌ترین حکومت جهان قرار دارد و سی و شش سال است که به طور روزانه آدم می‌کشند و حامی تروریسم در جهان است.

خامنه‌ای این نامه را زمانی نوشته است که ظریف وزیر امور خارجه‌شان با کری وزیر امور خارجه «شیطان بزرگ» نه تنها در اتاق‌های دربسته، بلکه حتی در خیابان‌های سونیس نیز قدم می‌زند. یا به اصطلاح خامنه‌ای، «نرمش قهرمانانه» می‌کند.

نزدیک به دو سالی که دولت پلیسی - امنیتی حسن روحانی به قدرت رسیده با فرمان خامنه‌ای سیاست خارجی حکومت اسلامی، بالا بردن پرچم سفید در مقابل رقبای غربی و در راس همه آمریکاست. اما در داخل کشور، تشدید سانسور و اختناق، سرکوب شدید زنان و جوانان و تهدید و زندانی‌کردن فعالین جنبش‌های اجتماعی و روزنامه‌نگاران، وب‌نویسان و هنرمندان افزایش اعدام‌هاست.

زمانی خامنه‌ای این را منتشر کرد که یورش تازه‌ای را علیه رسانه‌ها و تعطیلی آن‌ها آغاز شده و به گفته روزنامه‌نگاران، «شیوه» «توقیف و تعطیلی زنجیره‌ای مطبوعات» در جریان است.

حکومت اسلامی، روزنامه مردم امروز به این دلیل توقیف کرد که در آخرین شماره خود عکس «جورج کلونی»، بازیگر معروف آمریکایی را در صفحه اول منتشر کرد که کاغذی در دست داشت و رویش نوشته بود «من شارلی هستم».

حمید رسائی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، از تهیه طرحی خبر داده‌است که بر مبنای آن، «در صورت توقیف چندباره رسانه در اختیار یک فرد به دلیل توهین به مقدسات» آن فرد ممنوع‌الکلم شود.

پیش از توقیف روزنامه مردم امروز، روز سه‌شنبه، دوم دی‌ماه، روزنامه روزان با دستور دادستانی تهران توقیف شده بود. در پی توقیف این روزنامه، یغما فحشامی، خبرنگار سیاسی این روزنامه نیز روز چهارشنبه، سوم دی‌ماه، بازداشت و روانه زندان اوین شده‌است.

روزنامه روزان در شماره شنبه، ۲۹ آذرماه خود، به مناسبت درگذشت آیت‌الله حسینعلی منتظری ضمن انتشار عکس وی در صفحه اول با تیتر «فقیهی متفاوت» مقالاتی را نیز در این باره منتشر کرده بود.

حکومت اسلامی در تمام بیش از سه دهه‌ای که در قدرت و حاکمیت ایران است تمام تلاش خود در زمینه اعمال سانسور به کار بسته است. اخیراً یک مؤسسه نظامی در ایران بر اساس یافته‌های پژوهشی خود به مقام‌های جمهوری اسلامی توصیه کرده برای موفقیت در جنگ‌های آینده، «اتاق جنگ» شبکه‌های اجتماعی مجازی تشکیل دهند.

این پیشنهاد در تازه‌ترین شماره فصلنامه «راهبرد دفاعی» وابسته به مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی که ریاست آن با معرفی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به علی خامنه‌ای و موافقت رهبر جمهوری اسلامی منصوب می‌شود، مطرح شده است.

اعضای هیأت تحریریه این فصلنامه را گروهی از فرماندهان سابق و فعلی سپاه مثل «یحیی رحیمصفوی»، «حسین علانی»، «غلامعلی رشید»، «احمد وحیدی» و «علی شمخانی» تشکیل می‌دهند.

پژوهش «راهبردهای جمهوری اسلامی در قبال شبکه‌های اجتماعی مجازی در جنگ آینده» شبکه‌های اجتماعی مجازی را از مهمترین ابزارها و نیرومندترین سلاح‌ها در جنگ نرم معرفی کرده و از راه تشریح فرصت‌ها و تهدیدهای این شبکه‌ها و آثار آنها بر مولفه‌های جنگ‌های آینده، راهبردهایی را برای استفاده از فرصت‌ها و «واپایش» تهدیدهای ناشی از آنها ارائه کرده است.

بر اساس این پژوهش، در پنج سال اخیر شبکه‌های اجتماعی تاثیر گسترده‌ای بر فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی داشته و حتی دارای کاربردهای راهبردی و تاکتیکی در میدان نبرد واقعی هم بوده‌اند.

جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران بخش دفاع با مسؤولیت در حوزه‌های راهبردی و فضای مجازی، استادان دانشگاه و صاحب‌نظران در این حوزه بوده است.

حوزه تخصصی ۳۴ درصد این افراد امنیتی، ۱۹ درصد مجازی، ۱۶ درصد فرهنگی و ۱۸ درصد سیاسی و تحصیلاتشان ۶۸ درصد کارشناسی ارشد و ۳۲ درصد دکترا اعلام شده است.

در بخش‌های تنوریک این تحقیق نسبت به این پدیده که به علت وجود اینترنت، بازیگری با مهارت متوسط و با حداقل هزینه می‌تواند با انتشار مطلب در شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر اینترنت، ارسال پیام‌های الکترونیکی، ایجاد صفحه وب، وبلاگ و وبگاه وارد عرصه ارتباطات سیاسی شده و ساختار سلسله مراتبی ارتباطات بین‌المللی را بشکند، تاکید ویژه‌ای شده است.

پیشرفت‌های سریع و تحولات پرشتاب آینده، مواجه شدن نیروهای مسلح با فضای نامطمئن و سرشار از فرصت و تهدید و پیش‌بینی وقوع جنگ‌های نامنظم آینده در حوزه فضای اطلاعاتی، پژوهشگران مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی را به این نتیجه رسانده که درک صحیح از میزان تهدیدها علیه کشور و فهم چگونگی نگرش دشمن به جنگ‌های احتمالی آینده دارای اهمیت خاصی است.

بر این اساس ۲۲ مشخصه برای جنگ‌های آینده اعلام شده که استفاده از نیروهای ویژه، راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب (هماهنگی افکار عمومی با اهداف ائتلاف)، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف، تکیه بر عملیات روانی (از راه شبکه‌های اجتماعی مجازی)، تاکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ (با بهره‌گیری از شبکه‌های مجازی و هدف قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دشمن)، مدیریت آستانه تحمل ملتها، رویکرد شبکه محوری به جنگ و مورد نظر قرار دادن ابعاد جنگ نرم از آن جمله‌اند.

مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی برای استفاده بهینه جمهوری اسلامی از شبکه‌های مجازی راهبردهای سه‌گانه «تهاجمی»، «رقابتی» و «تدافعی» پیشنهاد کرده است.

تشکیل اتاق جنگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، تربیت نخبگان فضای مجازی، راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی به منظور کاهش تقاضا برای شبکه‌های اجتماعی خارجی، راه‌اندازی یا حمایت از شبکه‌های اجتماعی در کشورهای هدف و راهبری آنها و توسعه فرهنگ‌کاری صحیح از شبکه‌های اجتماعی مجازی با محوریت خانواده‌ها در داخل کشور از جمله راهبردهای «تهاجمی» این پژوهش است.

پژوهشگران این مرکز پیشنهاد کرده‌اند اتاق جنگ نرم در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی تشکیل شده و بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات آن، راهبرد تشکیل اتاق جنگ رسانه‌های مجازی مصوب و عملیاتی شود.

ارائه نتایج حاصل از این طرح با محوریت ستاد کل نیروهای مسلح به سپاه پاسداران، ارتش، بسیج و دیگر نهادها و تشکیل اتاق‌های جنگ رسانه‌های مجازی از سوی هر یک از آنها و فعالیت زیر نظر این اتاق در ستاد کل از دیگر راهبردهای پیشنهادی این پژوهش است.

برای تربیت نیروی متخصص فضای مجازی نیز پیشنهاد شده با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه، ارتش، وزارت اطلاعات، پدافند غیرعامل و وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش و علوم، کارگروهی برای تدوین هدف‌ها و کارکردها و فرآیندهای جذب نخبگان از دوران کودکی و نوجوانی به عنوان نیروی کار بالقوه جنگ در فضای مجازی تشکیل شود.

این پژوهش همچنین پیشنهاد انجام تحقیقی با عنوان «تربیت نخبگان فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران» در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی و ارائه نتایج آن به سپاه، ارتش، بسیج و سایر نهادها را مطرح کرده است. خامنه‌ای در حالی به جوانان غربی نامه نوشته که در برخی کارخانه‌های ایران کارگران از جمله به دلیل عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان در حال اعتراض و اعتصاب بودند.

همچنین قانون صنفی معلمان ایران از «تحصن و اعتصاب سراسری و خودجوش معلمان سراسر کشور» در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۳۰ دی [جدی] و اول بهمن، خبر داده و دلیل آن، اعتراض معلمان به وضعیت معیشت‌شان است.

خبرگزاری کار ایران، ایلنا، نیز در تائید این خبر نوشته است که «شمار زیادی» از معلمان ایرانی در این دو روز از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کرده‌اند.

این گزارش‌ها عنوان می‌کنند اعتصاب معلمان گسترده وسیعی از ایران و استان‌های تهران، اصفهان، گیلان، فارس همدان، لرستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، یزد و کرمان را دربرمی‌گیرد.

از جمله شهرهایی که معلمان آن از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کرده‌اند، می‌توان اسلامشهر، رباط کریم، شهر قدس، کرج، شهریار، شیراز، خرمشهر، شاهرود، سقز، بانه و مریوان را نام برد.

بر اساس این گزارش‌ها، معلمان شهرهای شاهرود از استان سمنان و مریوان از استان کردستان تجمعاتی را نیز مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرها به ترتیب در روزهای ۳۰ دی و اول بهمن برگزار کرده‌اند.

وب‌سایت کانون صنفی معلمان همچنین از «برخوردهای توهین‌آمیز، ارباب‌مدیران مدارس و احضار و تهدید برخی از معلمان از سوی حراست آموزش و پرورش» در برخی شهرستان‌ها، «از جمله شهرستان‌های رباط کریم اسلام شهر و شهر قدس» خبر داده است.

درباره علل این اعتراضات خبرگزاری ایلنا از «وضع معیشتی»، «بودجه سال آینده وزارت آموزش و پرورش» و «خدمات ضعیف بیمه‌طلانی» نام می‌برد.

این خبرگزاری به نقل از یک فعال حقوق صنفی معلمان اعلام کرد که «معلمان از شائبه افزایش نزدیک به ۱۴ درصدی حقوق‌شان در سال ۹۴ نگران‌اند».

این فعال صنفی معلمان که نخواست نامش اعلام شود، اضافه کرد: «در حالی که بودجه برخی نهادهای خاص در سال آینده بیش از ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده‌است معلوم نیست دولت برای افزایش نزدیک به ۲۰ درصدی بودجه آموزش و پرورش چه توجیهی دارد».

در روزهای ابتدائی دی ماه، حدود شش هزار معلم در سراسر ایران با امضای طوماری خطاب به علی لاریجانی، رئیس مجلس، از به گفته آنان برخوردهای سیاسی با مشکلات معیشتی‌شان، اعلام نارضایتی کرده بودند.

اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان، در مصاحبه‌ای با رادیو فردا، یکی از اهداف ارسال این طومار را «اتمام حجت با مجلس» ذکر کرده و تاکید کرده بود: «در بدنه آموزش و پرورش التهاب زیاد است و حجم و سطح مطالبات فرهنگی بسیار بالا رفته است.»

پیش‌تر نیز بیش از ۱۰۰ تن از معلمان و بیش از ۱۵۰ تن از فعالان صنفی و مدنی و همچنین اتحادیه صنفی معلمان کردستان ایران با امضای طوماری از سیاست دولت حسن روحانی در قبال نظام آموزشی انتقاد کرده بودند.

حسن هفده تن، معاون روابط کار و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در گزارش خود گفته که قدرت خرید نیروی کار در ایران از سال ۱۳۸۴ تاکنون به یک سوم کاهش یافته است.

به نوشته خبرگزاری مهر، این گزارش در آستانه برگزاری دو نشست مهم در شورای عالی کار و شورای سه جانبه ملی، ارائه شده است.

هفده تن اشاره کرده است که افزایش حقوق سال آینده کارگران علاوه بر پوشش دادن میزان تورم، باید تامین کننده معیشت نیروی کار نیز باشد.

پیش از این، به گزارش خبرگزاری ایسنا، حسین حبیبی، دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، گفته بود: «براساس برآوردهای انجام شده در آذرماه سال جاری، میانگین هزینه‌های یک خانواده چهار نفره حدود سه میلیون و ۴۰۰ هزار تومان در ماه بوده است.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا، محمد رضا راهداری زاده، رئیس مجمع نمایندگان کارگران استان خوزستان، نیز با اعلام این که از سال ۱۳۸۴ تاکنون، قدرت خرید کارگران ۷۳ درصد کاهش یافته است، افزوده بود: «اگر یک خانواده کارگر توانایی تامین ۵۰ درصد از هزینه‌های خود را نداشته باشد، زیر خط فقر است.»

در این ارتباط، خبرگزاری ایسنا چندی پیش به نقل از مرکز آمار ایران نوشت که در سال گذشته، تهران با متوسط هزینه زندگی دو میلیون و ۲۸۰ هزار تومان برای هر خانوار، پرهزینه‌ترین شهر ایران بوده است. هزینه زندگی در قم، به عنوان ارزان ترین شهر ایران یک میلیون و ۵۰ هزار تومان بوده است.

پیامد حقوق‌های پائین کارگران، به گزارش خبرگزاری ایسنا، باعث شده است که هزینه‌های آموزشی، تفریحی و حتی بهداشت و درمان در سبد هزینه خانوارهای کارگری جانی نداشته باشد.

این وضعیت بارها از سوی فعالین و تشکل‌های کارگری ایران مورد انتقاد قرار گرفته است و آنان خواستار افزایش دستمزد کارگران به منظور برخورداری از یک زندگی مناسب شده‌اند.

در حال حاضر، حداقل دستمزد ماهانه کارگران ۶۰۹ هزار تومان است و برخی از فعالان کارگری بر این باورند که به دلیل رواج قراردادهای سفید امضاء و یا موقت، برخی از کارگران و شاغلان پائین‌تر از این میزان نیز حقوق دریافت می‌کنند.

مرکز آمار ایران، اعلام کرد که یک خانواده ۴ نفره کارگری که از حداقل دستمزد برخوردار است، نیمی از ماه را گرسنه می‌ماند.

یک خانواده شهری با تعداد متوسط ۳/۵ نفر و با حقوق کارگری ۶۰۹ هزار تومانی، تنها قادر است نیمی از هزینه‌های خود را در سال ۱۳۹۳ بپردازد.

این خبر در حالی اعلام می‌شود که شورای عالی کار با افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن برای سال آینده موافقت کرده است؛ پولی که تنها بخش ناچیزی از هزینه‌های شهری یک خانوار کارگری حداقل‌بگیر را شامل می‌شود.

حداقل درآمد یک خانواده ۴ نفره که با حداقل حقوق کارگری زندگی می‌کند، با در نظر گرفتن «حق مسکن»، «حق بن کارگری»، «حق سنوات خدمت» و «حق عیدی» و «یارانه نقدی»، ۱۳ میلیون و ۶۳۷ هزار و ۱۱۰ ریال محاسبه شده است.

این در حالی است که مورد آخر یعنی یارانه نقدی (با مجموع حدوداً ۲ میلیون تومان در سال برای خانواده چهارنفره) تنها به خانواده‌های اتباع ایرانی تعلق می‌گیرد. بنابراین بدون در نظر گرفتن یارانه نقدی، حداقل حقوق دریافتی از سوی یک خانواده ۴ نفره در ایران سالیانه حدوداً ۱۱ میلیون و ۴۷۷ هزار و ۱۱۰ ریال است که کمتر از نیمی از هزینه‌های خانوار شهری محاسبه شده از سوی مرکز آمار ایران را پوشش می‌دهد.

حداقل درآمد یک خانواده ۴ نفره که با حداقل حقوق کارگری زندگی می‌کند، با در نظر گرفتن «حق مسکن»، «حق بن کارگری»، «حق سنوات خدمت» و «حق عیدی» و «یارانه نقدی»، ۱۳ میلیون و ۶۳۷ هزار و ۱۱۰ ریال محاسبه شده است.

گزارش این نشان می‌دهد که اگر در میان هزینه‌های لازم برای زندگی شهری طبق معیارهای مرکز آمار، تنها هزینه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و نیز هزینه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها را با درآمد متوسط کارگران مقایسه کنیم، می‌بینیم که مجموع این هزینه‌ها خود به تنهایی از تمامی درآمد یک خانوار کارگری با احتساب یارانه بیش‌تر است.

این نسبت، طبق محاسبات این گزارش، ۱۳۷ میلیون و ۹۹۴ هزار ریال برای هزینه‌های مذکور، در برابر ۱۳۶ میلیون و ۳۷۱ هزار و ۱۰۶ ریال برای درآمد سالیانه با احتساب یارانه بوده است. در این مقایسه، هزینه دخانیات، پوشاک و کفش، لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه، بهداشت و درمان، حمل و نقل، ارتباطات، تفریح و امور فرهنگی، تحصیل، رستوران و هتل و کالاهای و خدمات متفرقه در نظر گرفته نشده است.

هفته گذشته، شورای عالی کار در سومین جلسه تعیین مزد با افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن کارگران در سال ۹۴ موافقت کردند. چنان‌چه این مصوبه در هیأت دولت تصویب شود، حق مسکن کارگران از ابتدای سال ۹۴ به ۴۰ هزار تومان در هر ماه خواهد رسید.

با این حال افزایش صددرصدی حق مسکن تنها ۲۴۰ هزار تومان به درآمد سالیانه یک خانواده حداقل‌بگیر خواهد افزود که باز هم قادر به جبران کسری درآمد نسبت به هزینه‌های متوسط خانوار نیست.

در چنین شرایطی، گرانی و تورم، بیکاری و فقر، در جامعه ایران غوغا می‌کند و قابل مهار نیستند و هیچ مقام و مسؤول و ارگان حکومتی هم قصد مهار کردن آن را ندارد.

حتی نان که اصلی‌ترین غذای ایرانیان است توسط دولت روحانی گران شده است. خبرگزاری مهر گزارش داده است که از صبح روز شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۳ - ۲۴ جنوری ۲۰۱۵، دومین مرحله آزادسازی نرخ نان در نانوائی‌های تافتون و لواش و بربری تهران و شهرستان‌ها اجرا می‌شود. مسؤولان از پیش شهروندان ایرانی را از اجرای بخش دوم این طرح آگاه نکرده بودند. نرخ تازه نان برای نانوائی‌هایی که به آن‌ها «آزادپز» گفته می‌شود هنوز مشخص نشده است.

در آذر ماه قیمت نان دستکم ۳۰ درصد و در برخی شهرهای کشور ۵۰ درصد و حتی بیش از آن افزایش پیدا کرد.

در نخستین مرحله آزادسازی قیمت نان که در آذر ماه سال جاری به اجرا درآمد، قیمت نان ناگهان ۳۰ درصد افزایش یافت، همزمان اما آرد گران شد و در همان حال سهمیه آرد ناوایان هم ۲۰ درصد کاهش پیدا کرد. به این جهت قیمت نان در برخی شهرها دو برابر شد.

کاوه زرگران، عضو هیأت مدیره اتحادیه نان گفته بود که ابتدا قرار بود آذر ماه قیمت نان افزایش پیدا کند، اما دولت این تصمیم را در پرتو مذاکرات هسته‌ای به تعویق انداخت.

این افزایش قیمت‌ها در حالی‌ست که علاوه بر تعیین افزایش دستمزدهای ناچیز چه هیچ تناسبی با تورم و گرانی واقعی ندارد ارزش ریال نیز روزبه‌روز پائین می‌آید. ارزش ریال از سال ۱۳۸۴ تاکنون ۷۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

یک شهروند ایرانی مسن می‌گوید: «من پیرمرد با آرتروز و هزار درد و مرض که نمی‌توانم سرپا بایستم. نوبتم شده، شاطرمی‌گوید توی تنور فقط نان کنجی هست و باید صبر کنی برایت ساده پخت کنیم. دیدم باید نیم ساعت دیگر سرپا بایستم برای همین از روی ناچاری نان کنجی خریدم. شما خودت ببین و قضاوت کن. تعداد این کنجدها را می‌شود شمرد. کنجد را مگر دانه‌ای می‌فروشند. روی هر دانه نان، ۲۰۰ تومان پول زور از مردم می‌گیرند. ۲۰۰ تومان هم دولت گران کرده، می‌شود ۴۰۰ تومان پول زور. از ۸۰۰ تومان قیمت یک نان سنگک، نصفش پول زور است. حالا که دست و دولت و ناوایان در یک کاسه رفته دیگر وای به حال و روز مردم.»

در این میان، بانک جهانی در گزارش مهم‌اش زیر عنوان «چشم‌اندازهای اقتصادی جهان» که سه شنبه ۱۳ جنوری ۲۰۱۵، ۲۳ دی ۱۳۹۳ منتشر شد، داده‌هایی را نیز درباره ایران ارائه داده است.

بانک جهانی می‌گوید که بعد از نرخ رشد مایوس‌کننده سال گذشته، کشورهای در حال توسعه امسال وضعیت اقتصادی شان کمی بهتر می‌شود. به برکت پائین آمدن قیمت نفت، رونق اقتصادی در آمریکا و سطح پائین نرخ بهره در دنیا و این گرایش در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ ادامه خواهد یافت.

در مجموع از دیدگاه بانک جهانی اقتصاد دنیا با شکنندگی‌های قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو است و در این میان کشورهایی می‌توانند بهتر گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند که با اصلاحات لازم اقتصادشان را بر تحولات تند در دنیا منطبق کنند.

اما اقتصاد ایران با دو مشکل کلان روبه‌رو است که در شماری از صفحات گزارش بانک جهانی بر آن‌ها تاکید شده: یکی تحریم‌های بین‌المللی است که تداوم آن‌ها طبعاً سد مهمی است بر سر توسعه کشور، و مشکل دوم وابستگی اقتصاد ایران است به نفت، در شرایطی که قیمت این کالا به شدت در حال سقوط است.

در همین گزارش می‌بینیم ایران برای متعادل کردن بودجه اش نیاز دارد به نفت بشکهای بالای ۱۳۰ دلار، در حالی که قیمت این کالا در حال حاضر پیرامون بشکهای ۴۵ دلار نوسان می‌کند.

با توجه به این مشکلات، بانک جهانی نرخ رشد ایران را در سال ۲۰۱۵ زیر یک درصد (۰/۹ درصد) پیش‌بینی می‌کند، یک درصد در سال ۲۰۱۶ و ۲/۲ درصد در سال ۲۰۱۷.

چند ماه پیش‌از این راه‌اندازی صفحه‌ای با عنوان بچه پولدارهای تهران، در شبکه اجتماعی اینستاگرام خیرساز شد. در این صفحه، تصاویری از شماری از جوانان در مناطق مختلف ایران منتشر شد که آن‌ها با خودروها و

گوشی‌های تلفن همراه گران‌قیمت و لباس‌هایی با برندهای بسیار مشهور جهان در ویلاها کنار استخرها یا سالن‌های با شکوه به تفریح مشغول بودند.

در آن صفحه سبکی از زندگی ارائه می‌شد که در کشورهای ثروتمند اروپایی نیز هرکسی قادر به انتخاب آن نیست و تنها افراد یا طبقه خاص درآمدی قادر به فراهم آوردن چنین امکانات و الزاماتی است.

پاسخ به راه‌اندازی آن صفحه را دیگرانی عهددار شدند که با انتشار تصاویری از زندگی عادی یا اغراق‌شده خود با نشانه‌هایی از فقر و نداری، دوگانه سنتی فقیر و پولدار، دارا و ندار و بالا شهرنشین و پائین‌شهری را بازتولید می‌کرد.

انتشار عکس‌ها و تصاویر بچه پولدارهای تهرانی با موجی از واکنش‌ها روبرو شد و تحلیل‌گران و کارشناسان درباره آن بسیار گفتند و نوشتند.

اما تمام آن گفته‌ها و نوشته در یک محور، مشترک بودند، ترجیح بند تحلیل‌های ارائه‌شده نابرابری‌های درآمدی و بی‌عدالتی اقتصادی در ایران بود. این که چرا و چگونه چنین وضعیتی از نابرابری اقتصادی و بی‌عدالتی توزیع درآمدی در اقتصاد ایران، به وجود آمده است مبنای بحث‌ها بود که البته قرار نیست موضوع این مطلب باشد.

در ایران امروز، قشری تازه‌ای از سرمایه‌داران به عرصه ظهور رسیده‌اند که به جرات می‌توان گفت بسیاری از آن‌ها، حتی یک روز هم برای تصاحب این ثروت‌های هنگفت زحمت نکشیده‌اند. اکثر آن‌ها «آقازاده»ها، یعنی فرزندان روحانیونی هستند که مستقیم و غیرمستقیم در حاکمیت ایران نقش دارند و سهم خود را از ثروت‌های هنگفت جامعه می‌برند. به علاوه اطرافیان خامنه‌ای، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، وزرا مدیران عالی‌رتبه، استاندارها، فرماندارها، شهردارها، امام جمعه‌ها، فرماندهان سپاه و بسیج و مدیران وزارت اطلاعات، نمایندگان مجلس، فرماندهان نیروهای سه گانه، روسای بانک‌ها، شرکت‌ها، صنایع و کارخانه‌ها، تجار و غیره که از حقوق ویژه و رانت‌خواری و رشوه‌خواری نیز تغذیه می‌کنند، همه و همه در ثروت‌های آن چنانی می‌لوند. در حالی که اکثریت مردم نزدیک به هشتاد میلیونی ایران، در فقر و فلاکت جانکاه زندگی سختی می‌گذرانند.

علاوه بر این‌ها، گاهی دزدی‌های میلیاردی دلاری ارگان‌ها و مدیران عالی‌رتبه حکومتی به رسانه‌ها نیز کشیده می‌شود.

برای نمونه، یکی از دولت‌هایی که ادعا می‌کرد پاک‌ترین دولت جمهوری اسلامی است اما با حمایت رهبرشان حدود ۷۰۰ میلیارد دلار درآمدهای کشور را بر باد داده است، هر چند فساد در تمام دوره‌های حاکمیت جمهوری اسلامی وجود داشته دارد اما حکومت احمدی‌نژاد یکی از فاسدترین حکومت‌های جمهوری اسلامی است.

سه نماینده اصول‌گرای مجلس ایران ضمن تکذیب اصول‌گرا بودن محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری پیشین، مدعی شدند که محکومیت او، به دلیل شکایت اصول‌گرایان بوده است.

این نمایندگان همچنین خواستار صدور رای قاطع و سریع دادگاه مهدی هاشمی، فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی شدند.

علیرضا زاکانی، نماینده تهران در مجلس، روز یکشنبه ۵ دی، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر، محکومیت ۵ ساله رحیمی را «ناشی از شکایت اصول‌گرایان» از وی خواند.

زاکانی با طرح این ادعا که مهدی هاشمی رفسنجانی پرونده «قطور و سنگین‌تری» از محمدرضا رحیمی دارد ابراز امیدواری کرد که قوه قضائیه رای «قاطع» درباره او صادر کند.

محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد، به پنج سال و ۹۱ روز حبس و پرداخت سه میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان محکوم شده است.

جزئیات جدیدی که از سوی خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه، گزارش شده حاکی است که مبلغی که رحیمی باید پرداخت کند هم‌اینک به ۵ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده، و جریمه نقدی و انفصال از خدمات دولتی نیز در حکم او درج شده است.

سایت تابناک نیز روز چهارم بهمن در گزارشی با عنوان «پول‌های رحیمی خرج کدام یک از نمایندگان شده است؟» تصریح کرد که دوره زمانی اتهامات رحیمی با برگزاری انتخابات مجلس هشتم مصادف است که محمدرضا نادری، وکیل محمدرضا رحیمی و محمود علیزاده طباطبائی، وکیل شهرام جزایری مدعی هستند، حدود ۱۷۰ نامزد انتخابات مجلس هشتم «از منابع مالی استفاده کرده‌اند که اکنون باعث زندانی شدن رحیمی شده است.» وکیل رحیمی نیز روز سوم آبان گفته بود که او در زمان انتخابات مجلس هشتم به ۱۷۰ یا ۱۸۰ نفر از نمایندگان اصول‌گرای مجلس پول داده است.

اکنون دفتر محمود احمدی‌نژاد، ضمن رد ارتباط «اتهامات» محمدرضا رحیمی با دولت نهم اعلام کرد که اتهامات رحیمی «با فرض صحت» مربوط به ریاست وی بر دیوان محاسبات، وابسته به مجلس شورای اسلامی است. به گزارش خبرگزاری ایسنا، دفتر احمدی‌نژاد، روز یکشنبه ۵ آبان ۱۳۹۳، در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در نحوه رسیدگی به این موضوع تاملات فراوانی وجود دارد که ورود به آن را در شرایط کنونی به صلاح کشور نمی‌دانیم.»

محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور سابق حکومت اسلامی ایران، از جمله متهمان اصلی در پرونده اختلاس از شرکت بیمه ایران بوده است.

براساس این گزارش، احمدی‌نژاد آبان ماه سال ۱۳۹۰ ضمن حمایت از رحیمی گفته بود: «من به رهبری هم گفته‌ام که اگر ثابت شود که رحیمی حتی یک ریال هم اختلاس کرده من به تلویزیون آمده و ضمن عذرخواهی اعلام می‌کنم که شایستگی این سمت را ندارم.»

محمدرضا رحیمی در خرداد سال ۹۲ نشان درجه یک خدمت از محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری وقت ایران، گرفته بود و در دولت دوم احمدی‌نژاد ریاست ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی را بر عهده داشت.

اغلب روحانیون هم و غم اصلی‌شان ثروت‌اندوزی و شهوت‌رانی است. محمد هم همین روحیه را داشت و به همین دلیل، سخنان و فتوای او پس از مرگش، توسط جانشینانش علی، عمر، ابولکر و عثمان، در کتاب به نام قرآن جمع‌آوری شدند. بخش هائی یادی از این کتابف زنان را تهدید می‌کند که اگر از قدرت مطلق همسرشناسان سر باز بزنند انواع شکنجه‌ها در انتظارشان است. در حالی که به مردان وعده‌هایی داده می‌شود که در آن دنیا و در بهشت صدها حوری دور هر کدام از آنها را خواهد گرفت. در حالی که چنین حقی را برای زنان قائل نشده‌اند. در همین دنیا نیز مردان مسلمان طبق سخنان محمد و قرآن و رساله‌های روحانیون حق دارند چهار زن رسمی و بی‌نهایت زن صیغه‌ای داشته باشند در حالی که اگر زنی خارج از این قوانین اسلامی رابطه عشق و جنسی با کسی بر قرار کند شاید جانش را نیز از دست بدهد و سنگسار گردد. بی‌جهت نیست که یک بار عایشه، که محمد در بالای پنجاه سالگی این بچه را در سن هفت هشت سالگی به عقد خود درآورده به محمد می‌گوید چرا این خداوند شما، همیشه طرف شما مردان را می‌گیرد در حالی که حتی یکبار هم طرف ما زنان را نگرفته است. محمد هر موقع از زنانش

ناراحت می‌شد از سوی خوایش‌آیه‌ای می‌آورد و آن‌ها را سرکوب می‌کرد. بی‌جهت نیست که در میان انبوهی از پیامبران و امامان، حتی یک زن نیز وجود ندارد و خدا هم مرد است.

یکی از مدرسان حوزه علمیه قم و بزرگان و اندیشمندان حکومت اسلامی، ابزار فضل کرده و در تارنمای خود مدعی شده، زنانی که دارای باسن‌های بزرگی هستند، از زنان باسن کوچک، نجیب‌ترند و شایستگی بیشتری برای همسری دارند!

آیت‌الله محمدرضا نکونام، که در تارنمای خود می‌نویسد، میان مسلمانان ناهنجاری‌های بسیاری در آمیزش‌به‌ویژه در جانب‌زن‌به‌چشم‌می‌خورد و مشکل را پرداختن مردم به امور فرعی و بازماندن از «مسائل حیاتی و امور اصلی» دانسته‌اند، که در نتیجه بسیاری از ازدواج‌ها ناکام مانده‌اند!

این «اندیشمندان؟!» بزرگ حکومت اسلامی، می‌گویند:

- پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: با دوشیزگان (باکره) ازدواج کنید؛ زیرا آنان دهانی خوش‌بوتر و نفسی گوارتر دارند - و در حدیث دیگر آمده است: و رحم‌هایی نطفه‌پذیرتر و پستان‌هایی تردتر و سرشارتر و زایمانی بیش‌تر و راحت‌تر دارند.

- امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: با زنان بزرگ باسن ازدواج کنید؛ بی‌تردید آنان نجیب‌ترند.

- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: با زنان گندم‌گون، گشاده‌چشم، بزرگ باسن و میان‌اندام ازدواج کنید؛ اگر از چنین انتخابی ناخرسند شدید، مهر آن را من به عهده می‌گیرم.

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم هرگاه می‌خواستند زنی را به ازدواج خود در آورند، زنی را نزد خانم مورد نظر می‌فرستادند و به او می‌فرمودند: گردنش را ببوی؛ اگر خوشایند بود، آن زن خوش‌بوست و به برآمدگی پایش بنگر؛ اگر پوشیده از گوشت بود، آلت جنسی‌اش بزرگو و درشت است.

- امام صادق علیه السلام فرمود: من کنیزان سفید و گندم‌گون را آزمودم؛ میان آنان تفاوت است. تفاوت سفید بور و گندم‌گون به جهت سستی‌اولی و مقاومت بسیار دومی در امور جنسی و ایستادگی در مقابل تعدی دیگران می‌باشد.»

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: با زنان کبود چشم ازدواج کنید؛ بی‌تردید چنین وصلتی گشایش و برکت را به همراه دارد.

- امام کاظم علیه السلام فرمود: خوش‌بختی مرد در آن است که همسر سفیدگون نصیبش گردد و جامه از چنین اندامی برگیرد.

- امام صادق علیه السلام فرمود: زن زیبا چهره، سستی و بلغم (ترشحات بدن) را بر طرف می‌سازد و زن زشت روی در انسان ترش‌روئی و سودا را بر می‌انگیزد.

همه این سخنان جز نژادپرستی، شهوت پرستی و اهانت به زن، چیز دیگری نیست.

بدین ترتیب، سی و شش سال است که حکومت اسلامی، ایدئولوژی و قوانین و ارتجاعی و قرون وسطائی و وحشیانه و مردسالار خود را به جامعه ایران تحمیل کرده است. به عبارت دیگر، دین اسلام در ایران، یک امر خصوصی نیست و اجباری و تحمیلی است. حتی گروه‌های اسلامی دیگر مانند بهائی‌ها و دراویش و غیره، همواره با سیاست‌های فاشیستی حکومت اسلامی روبه‌رو هستند و به شدت سرکوب می‌گردند و حتی از ابتدائی‌ترین حق شهروندی نیز محرومند.

حکومت اسلامی، با تمامی دو و دستگاه عریض و طویل روحانیت مفتخور و جانی، با تبلیغات و آموزش‌های گسترده مذهبی و سرکوب‌های سیستماتیک سیاسی‌اش، سبب شده است که کمتر امکانی برای بحث‌های جدی یا

دست‌کم بحث‌هایی در دفاع از حقوق بشر، حقوق کودکان، حقوق سالمندان، حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی، محیط زیست و یا حدود و ثغور آزادی بیان و اندیشه و تشکل فراهم شود. سرکوب‌ها و زندان و شکنجه و اعدام‌های روزانه، سبب شده‌اند که در جامعه ایران یک فضای خفقان و بسته‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آید و جامعه را از هر نظر عقب نگاه دارد.

امروز کسانی مدعی اصلاحات در جامعه ایران هستند که حتی به روی خود نمی‌آورند که دست کم در دهه نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، چه بلاها و فجایع انسانی، اقتصادی و فرهنگی بر سر جامعه ایران آورده‌اند! حمله به دستاوردهای انقلاب ۵۷ مردم ایران و کشتار وحشیانه انقلابیون غیرمذهبی و گاه مذهبی که منتقد حکومت بودند، تعرض وحشیانه‌ای نیز به همه آزادی‌های فردی و جمعی آوردند که تا به امروز این وضعیت دردناک ادامه دارد. همه این عوامل و به طور کلی سیاست‌ها و ایدئولوژی حکومت اسلامی، دست به دست هم داده‌اند و فساد سیاسی، مالی و حتی اخلاقی را در جامعه ایران نهادینه کرده‌اند. این حکومت و در سر همه سیدعلی خامنه‌ای و قبل از آن نیز خمینی، مانند محمد و علی و با اتکا به قرآن که در واقع قانون اساسی جانشینان محمد بوده است عمیقاً بهداشت عمومی جامعه را به هم ریخته‌اند و همه معیارها و ارزش‌های انسانی و جهان‌شمول را از بین برده‌اند. به عبارت دیگر، فرهنگ تزویر و ریاکاری و چاپلوسی از یک طرف و خشونت را از سوی دیگر، در جامعه ایران حاکم کرده‌اند.

تاریخ نشان داده است که چنین حکومت‌هایی اصلاح‌پذیر نیستند و تنها با کودتا، جنگ، شورش، قیام و انقلاب می‌توان آن‌ها را از حاکمیت بیرون راند. کودتاها و جنگ‌هایی که تاکنون حکومت‌های سرمایه‌داری راه انداخته‌اند در واقع صرفاً جابه‌جایی قدرت از یک جناح سرمایه‌داری به یک جناح دیگر آن بوده و به کلی این نوع اقدامات و تحولات به ضرر مردم تمام شده‌اند. بنابراین، اگر مردم یک جامعه‌ای بخواهد به سعادت و خوشبختی و آزادی برسد تنها راه این است که به نیروی مستقل خود اتکا کند و باور داشته باشد. یعنی راهی منطقی و اصولی و علمی این است که مردم آزاده و جنبش‌ها و نیروهای برابری‌طلب و آزادی‌خواه و عدالت‌جو خود متحد و متشکل کنند تا با مبارزه و اعتراض و اعتصاب پیگیرشان، حکومت اسلامی را از اریکه قدرت پائین بکشند و با برپایی حکومتی که نه مافوق مردم، بلکه در کنترل مردم باشد همه سیاست‌ها و قوانین ظالمانه کنونی را ملغی کنند و جامعه درخور و اشیسته انسانی برای خود بسازند.

خامنه‌ای زمانی که به جوانان غربی توصیه می‌کند و به قرآن و محمد رجوع کنند هنوز جامعه غربی فراموش نکرده‌اند که هم ایدئولوژی‌های خامنه‌ای با کلاشینکف و آرپی‌جی به دلیل انتشار کاریکاتور محمد در این نشریه، به ساختمان نشریه شارلی ابدو یورش بردند و ۱۲ نفر از هیأت تحریریه و سردبیر این نشریه را اعدام کردند. محمد مانند خمینی، بنیان‌گذار شبه حکومت اسلامی با ایدئولوژی خشونت و ترور و جهل بودو محمد و علی هر جا به مخالفین خود می‌رسیدند آن‌ها را می‌کشتند و اسرای خود را نیز به طور گروهی گردن می‌زدند؛ زنان و کودکان را نیز به عنوان غنایم جنگی بین خود تقسیم می‌کردند و یا در بازارهای برده‌داری می‌فروختند. کاری که امروز داعش، القاعده، النصر، بوکوحرام و حکومت‌هایی مانند حکومت عربستان و حکومت اسلامی ایران انجام می‌دهند در واقع ادامه همان راه محمد است. حکومت اسلامی با اتکا مستقیم به قوانین اسلامی و مراجعه به قرآن و محمد، سی و شش سال است که دست و پا می‌برد؛ چشم درمی‌آورد؛ سنگسار می‌کند؛ اعدام می‌کند؛ ترور می‌کند؛ یک سیستم آپارتاید جنسی تمام عیار برپا کرده و مردسالاری را به اوج رسانده و طبق قوانین اسلامی این حکومت، حتی می‌تواند به فرزندان خوانده‌ها نیز تجاوز کرد. در زندان‌ها به زندانیان تجاوز می‌کنند. قتل‌ها و اسیدپاشی‌های

زنجیره‌ای راه می‌اندازند. جواب بیان و قلم منتقدین را با گلوله می‌دهند. یعنی همان کاری که هم ایدئولوژی‌های خامنه‌ای در پاریس انجام دادند دهه‌ها قبل از این‌ها حکومت اسلامی در همین پاریس، لندن، برلین، استانبول، استکهلم، ایتالیا، اتریش، کردستان عراق، پاکستان و غیره صدها تن از مخالفین خود ترور کرده‌اند. این حکومت سعید سلطانی‌پور شاعر را اعدام کرد و مختاری و پوینده فعالین جمع مشورتی کانون نویسندگان و صدها فعال سیاسی و فرهنگی را ترور کرده‌اند.

اگر امروز داعش، هر شهر و روستایی را می‌گیرد مردان آن‌جا قتل‌عام می‌کند حکومت اسلامی نیز دست‌کم این قتل‌عام‌ها در کردستان و روستاها قارنا و ایندرفاش و... راه انداخته بود. اگر امروز داعش اسرای خود را دسته‌جمعی اعدام می‌کند؛ این اعدام را خلخال با فرمان خمینی در فرودگاه سنندج و در شهرهای دیگر کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان و... راه انداخته بود. حکومت اسلامی زندانیان سیاسی در زندان‌ها را قتل‌عام کرده است. بنابراین، داعش در کشتار و غارت و تجاوز به گرد حکومت اسلامی ایران نیز نمی‌رسد.

همه مذاهب ارتجاعی و غیرانسانی هستند و به قرون وسطا تعلق دارند. در این میان، خدا و قرآن، داستان‌های بهشت و جهنم پوچ و بی‌معنی و خرافی هستند. اما آنچه واقعیت دارد این است که تمامی جنایت‌هایی که امروز گروه‌های اسلامی همچون داعش، القاعده، طالبان، بوکو حرام و یا حکومت عربستان سعودی و حکومت اسلامی ایران، علیه بشریت مرتکب می‌شوند در هزار و چهارصد سال پیش گروه اسلامی و شبه‌حکومتی محمد و جانشینانش علی، عمر، عثمان، ابوبکر و غیره مرتکب شده بودند. بنابراین، همه مذاهب و امروز بیش از همه اسلام، دین سرکوب و سانسور، وحشت و ترور، نژادپرستی و فاشیسم، جهل و خرافه و عامل بدبختی و سیه‌روزی بشر است. از این‌رو، این دین دشمن آزادی و انسان‌دوستی و امنیت و آسایش و شادی است و به همین دلایل به درد هیچ انسان آگاه و آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو نمی‌خورد!

نهایتاً نامه خامنه‌ای چندان‌آور و مضحک و ریاکارانه است. چرا که نه قرآن به درد جوانان و غربی و ایرانی و غیره می‌خورد و نه راه و سیاست‌ها و ایدئولوژی جنایت‌کارانه‌ی چون محمد و علی و... در یک کلام این نامه خامنه‌ای، فراخوانی برای گروه‌های اسلامی است که در کشورهای غربی، هر روز در محافل و مساجد خود برای داعش و القاعده و غیره عضوگیری می‌کنند و یا نسبت به حکومت‌هایی جانی و آدم‌کشی مانند حکومت اسلامی ایران، جاسوسی می‌کنند. خامنه‌ای سردمدار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است؛ او در سطح بین‌المللی حامی تروریسم است؛ او عامل اصلی کشتار ده‌ها هزار انسان در ایران است و دستش به خون انسان‌های بی‌شماری آلوده است! حکومتی که جوانان را شدیداً سرکوب می‌کند و حتی یک جشن و مهمانی ساده و شادی آن‌ها نیز تحمل نمی‌کند. حکومتی که عمل فرار میلیون‌ها انسان از ایران، به ویژه جوانان این سرمایه‌های کشور است. به همین دلایل جوانان غربی، نامه این جنایت‌کار به استهزا می‌گیرند و به ریش‌اش می‌خندند!

یک شنبه پنجم بهمن [دلو] ۱۳۹۳ - بیست و پنجم جنوری ۲۰۱۵